

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ * (۲۵ ذی حجه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۷) شور دو فقره اعتبار نظمی |
| ۲) تصویب پنج فقره مرخصی | ۸) تقدیم يك فقره لایحه معارفی بوسیله آقای وزیر عدلیه |
| ۳) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | ۹) بقیه شور لایحه اعتبار نظمی |
| ۴) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه | ۱۰) شور اول لایحه ثبت شرکتها |
| ۵) شور اول عهد نامه ایران و لتونی | ۱۱) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
| ۶) اجازه الحاق ایران بقرارات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان داوری | ۱۲) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه نوزدهم اردی بهشت ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای فزونی

فزونی - در صورت مجلس آقای بروجردی را غائب بی اجازه نوشته اند (نمایندگان - بلندتر) در صورتیکه مریض هستند و استعجازه کرده اند .

بعضی از نمایندگان - نفهمیدیم چه فرمودید

رئیس - تذکری راجع به غیبت داشتند که اصلاح می شود . نظر دیگری در صورت مجلس نیست؟ (گفتند - خیر)

صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - تصویب ۵ فقره مرخصی]

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای ارباب کیخسرو

نایبند محترم آقای ارباب کیخسرو شاهرخ تقاضای یکماه تمدید مرخصی از تاریخ انقضاء مدت مرخصی سابق نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای ملک مدنی

* عین مذاکرات مشروح بیست و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خواننده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - ارباب کیخسرو دکتر شیخ - حیدری

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمور تاش - دبستانی - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج محمد رضا بهبانی - دکتر امیر اعلم - میرزا صادقخان اکبر - طالشخان - اعظم زنکه - افغنی - طباطبائی دیا - اسدی - دکتر سنگ - میرزا محمد تقی طباطبائی آقا رضا مهدوی - قراکوزلو - دکتر ضیائی .

دبر آمده گان بی اجازه - آقایان : میرزا سید مهدیخان نامی - مرتضی قلیخان بیات - بوشهری - اعتبار - شریعت زاده .

چون حمدالله مستوفی یکی از مورخین بزرگ شرق است و بنده در تعریف حمدالله مستوفی چیزی عرض نمیکم البته بنده کوچکم خود تصنیفات و تألیفات ایشان نسبت به علوم و تاریخ که اخیراً بررون طبع کرده است از قبیل تاریخ گزیده و ترهت القلوب که این خود معرف او است فقط از برای این است که آقای ملک مدنی وسایر آقایان تصمیم گرفته اند آن مقداری که از قزوین بایستی پول جمع آوری بشود اهالی قزوین بدهند آن مقدار جمع آوری شده است و جمعی از آقایان هم تصمیم گرفته اند همت گماشته اند آثار این مرد بزرگ باقی بماند این است که هم از آقای حبیبی و هم از آقای بیات که خیلی تشکر میکنم یک مبلغی از حقوق مرخصی شان را باینکار اختصاص داده اند و بعد ها هم خواهد همین رویه معمول شد تا اینکه این مقبره تعمیر بشود این بود که بنده برای عرض تشکر پشت تریبون آمدم و مخالفی ندارم.

کاررونی - بعد از این همه مقبره ها باید تعمیر شود.
رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای وکیل موافقتند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

خبر مرخصی آقای مرتضی قلیخان بیات

نماینده محترم آقای مرتضی قلیخان بیات تقاضای ۲۶ روز مرخصی از تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۱۰ نموده و مبلغ یکصد تومان از مقرری این مدت را بمصرف تعمیر مقبره حمدالله مستوفی اختصاص داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقایانی که موافقتند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

خبر مرخصی آقای وهاب زاده

نماینده محترم آقای حاجی تقی وهاب زاده برای رسیدگی بامورات شخصی از تاریخ حرکت تقاضای بیست روز مرخصی نموده و مبلغ پنجاه تومان از مقرری این

مدت را اختصاص به تعمیر مقبره حمدالله مستوفی داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد
رئیس - آقایانی که مرخصی آقای وهاب زاده را تصویب میفرمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد
[۳- تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیرمالیه]
رئیس - آقای وزیر مالیه

وزیرمالیه (آقای تقی زاده) - بنده یک لایحه مختصری دارم راجع بمعافیت از حقوق گمرکی اشیائی که برای دفع ملخ وارد میشود نظیرش سابقاً هم بوده است (صحیح است)

[۴- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه]
رئیس - آقای وزیر امور خارجه
وزیر امور خارجه - دو فقره عهدنامه بسته شده است مابین دولت ایران و دولتین یونان و نروژ لایحه قانونی تصویب آنها را تقدیم میکنم

[۵- شور اول عهد نامه ایران و لتونی]

رئیس - خبر کمیسیون خارجه راجع بعهدنامه ایران و لتونی قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۹ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ لایحه نمره ۳۲۷۷۰ دولت راجع بمبادله عهدنامه مودت بین دولتین ایران و لتونی را تحت شور و مذاقه قرار داده عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک خبر آن تقدیم میشود

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود: ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت مشتمل بر شش ماده را که در تاریخ پانزدهم ژانویه ۱۹۲۹ مطابق با ۲۵ دیماه ۱۳۰۷ بین دولتین ایران و لتونی امضا شده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است. اعتراضی نشده. رأی میگیریم بورود در شور مواد موافقتین قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در ماده یک اعتراضی نرسیده است ماده دوسه چهار پنج شش در هیچیک از آنها اعتراضی نرسیده رأی میگیریم بورود در شور دوم موافقتین قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۶- اجازه الحاق ایران بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان داوری]

رئیس - خبر کمیسیون خارجه راجع به الحاق دولت ایران به ماده سی و شش اساسنامه دائمی دیوان داوری بین المللی مطرح است قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه نهم اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ لایحه نمره ۲۷۷۳۳ دولت راجع به الحاق قطعی دولت ایران بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی داوری بین المللی را تحت شور قرار داده و ماده واحده پیشنهادی دولت را عیناً تصویب نموده اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود:

ماده واحده - مجلس شورای ملی الحاق قطعی دولت ایران را بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی داوری بین المللی راجع به التزام حکمیت دیوان مزبور در مواد مشروحه در ماده سابق الذکر بطوری که نماینده ایران در تاریخ دهم مهر ماه ۱۳۰۹ امضا نموده است تصویب کرده و بدولت اجازه میدهد اسناد مصدق آنرا بدار الانشاء جامعه ملل تسلیم نماید

رئیس - شور اول ماده واحده مطرح است. اعتراضی نرسیده است. رأی میگیریم بورود در شور دوم موافقتین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۷- شور و تصویب دو فقره اعتبارنامه]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به دو فقره مخارج ضروری تنظیمه مطرح است. ماده واحده قرائت میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که معادل سه هزار و سیصد و پنجاه و هفت تومان و دو قران و هشتصد دینار جهت تهیه ملبوس و رختخواب و سایر لوازم ضروری توقیفی های نظمی و هم چنین مبلغ یکمزار و پانزده تومان برای مخارج فوق العاده مامورین اعزامی به قصبه بوکان از هشتم شهریور ماه ۱۳۰۹ تا آخر آن سال از محل اعتبار صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۹ تشکیلات نظمیه بپردازد

رئیس - ماده واحده مطرح است آقای مؤیداحمدی مؤید احمدی - بنده چون يك موقعی يك موضوعی را اطلاع پیدا کردم خصوصاً آقای روحی و آقای دکتر ملک زاده و آقای امیر ابراهیمی هم تشریف دارند که در آن موقع کرمان بودند و آن راجع به مخارج عجبها است بکنده را بواسطه تقصیراتی که کرده اند یا در عدلیه محکوم میشوند اینها را میبرند به نظمیه يك قسمت که در بیابانها کارهایی میکنند امنیهها میگیرند آنها را هم میفرستند به نظمیه عده محبوسین در نظمیه ها زیاد میشود آنوقت مخارجی که برای اینها تهیه میکنند بقدری کم است که خاطر من است آنوقت تقسیم کرده بودند روزی پنجشاهی بهر محبوسی میرسید ملاحظه فرمائید بکنفر محبوس با روزی پنجشاهی چه جور زندگی کند از آنطرف هم حبس است که نمیتواند بیرون بیاید برود مثلاً گدائی بکند لااقل بنده خاطر من است که آقای دکتر ملک زاده در يك کنفرانسی بیان کردند که هیچ چیزی هیچ ثوابی بالاتر از این نیست که يك مخارجی را بدهند برای فقرا و اشخاصی که حبسند آنوقت مثلاً چه میکردند امروز پنجاه نفر بودند یکی دهشاهی معین میکردند میگفتند اعتبار مان اینست فردا صد نفر میشدند میگفتند روزی پنجشاهی هر چه عده زیاد میشد کم میکردند و آنوقت معلوم است يك آدمی حالا مقصر گناهکار بنده عرض میکنم محکوم بقتل لکن نازنده است باید نانش داد البته باید این را در نظر بگیرند يك مبلغی برای ولایات باندازه که محبوس است نان

خشکی بآنها بدهند بقدری که نمیرند حالا این مبلغ را بنده نمیدانم این تختخواب و اینها را برای مرکز در نظر گرفته اند یا برای شهرها بنده عقیده ام این است که اینها را اول نان بدهند بخورند عوض تختخواب بآنها آذوقه بدهند نظر بنده این بود که آقای معاون وزارت داخله و آقای وزیر داخله يك رسیدگی کاملی در این قضیه بکنند در مجلس ها مردم را گرسنه نگذارند

وزیر عدلیه (آقای داور) - بنده کم کم عادت بدی دارم پیدا میکنم و آن این است که تذکراتی که نمایندگان محترم قبل از دستور میدهند بنده بر میخیزم و جواب عرض میکنم (یکی از نمایندگان - قبل از دستور نیست مذاکره در لایحه است) در صورتیکه ضرورتی ندارد ولی معینا وقتی که بنده می بینم ممکن است يك موضوعی تولید سوء تفاهم میکند خودم را مکلف میدانم که اینجا بیایم و توضیح بدهم البته محبوس وقتی که در محبس میرود باید در نظر گرفت که وضعیانش خیلی بد نباشد بایستی که آذوقه باندازه که از برای مزاجش لازم است و بالاخره بدن او احتیاج دارد باو داد ولی مهمانخانه بنده عقیده ندارم که درست کرد بنده معتقد نیستم که محبس بکجائی بشود که اشخاص برای اینکه از زندگانی سخت خارج خودشان فرار کنند و يك جای راحتی داشته باشند و يك ترتیب آذوقه منظمی داشته باشند جرمی را مرتکب بشوند که بروند آنجا بنده خوب خاطر من میاید که وقتی تحصیل میکردم در یکی از کتبی که مربوط بود بقضایای جنائی میخواندم شرح حال يك پیر مردی را که این را در یکی از کاتون های سویس توقیف کرده بودند از برای ولگردی و این شخص فریادش بلند شده بود وقتی که فهمیده بود که در چه کاتونی است میگفت من خیال میکردم که محل توقیف من در آن کاتون پهلوی است برای اینکه آنجا هفته در روز گوشت میدادند و اینجا هفته بگروز گوشت میدهند او حساب اینطور کرده بود بعد وقتی که زندگانی این را نگاه کردند دیدند این بیچاره کسی است که زیر بار هیچ کاری نمینخواهد برود و از

اشخاصی است که زندگانی ایشان را بالاخره ولگردی گذرانده اند تمام عمرش را در همین خط سیر میکرده و حتی حساب محبس را کرده بوده که در کدام محبس ما بانسان غذا چطور میدهند و در چه فصلی خوب است انسان در کدام کاتون باشد و بالاخره مثلاً عوض اینکه در کاتون دوزخو خیال میکرده است توقیف شود در کاتون دو و توقیف شده بود اوقات تلخ شده بود چون خیال میکرده که آنجا بهتر است و بنده خیال میکنم لازم باشد ما این کار را بکنیم اینها اشتباه است و از نظر اخلاق و آسایش عمومی باید متوجه این بود که محبس يك قسم آسایشگاهی نشود که اشخاص از نقطه نظر را حتی خودشان بانجا پناهنده بشوند این را اول در نظر بگیرند (افسر - صحیح است) و بعد هم عرض کنم که لابد نواقصی هست در باره نواقص بدهم نیست گناه گاهی تذکر داده شود مانعی نیست برایش نه قانونی نه اخلاقی ولی از طرف دیگر کار هائی که شده است باید در نظر گرفت محبس هائی که ساخته شده است باید در نظر گرفت محبس هائی که در چند سال سابق داشتیم آنها را باید به خاطر آورد مخارج فوق العاده که شده آنها را دید در نظر گرفت که همین کسی که رفته است در محبس در خارج چه جور زندگی میکرده است در منزل شخصی خودش چه جور بوده است و بعلاوه محبوسین در محبس باید قدری هم کار بکنند مطابق قانون هم باید کار بکنند حتی آن کسی هم که محکوم باعمال شاقه نشده باشد باید کار بکند و يك مقدار از آن عایدات که از کار او حاصل میشود باید کمک بشود به مخارج او این را هم دولت در صدد است که این کار را بکند و بنده تصور نمیکنم مسئله بان اندازه اهمیت داشت که لازم بود آقای نماینده محترم يك فرمایشاتی بکنند مثل این خواهد بود که در خارج اگر کسی نگاه کند و روز نامه را بخواند همچو تصور خواهد کرد که ما محبوسین خودمان را برداریم آنجا و بایک هوای آزادی که خیلی هم آزاد نیست تقسیم در محبس زندگانی کنند و بان تغذیه کنند اینطور نیست آقا! خرج داده میشود مسلم است که آن خرج فوق العاده زیاد نیست باندازه هست که این

اشخاصی بتوانند غذا بخورند و نمیرند پیش از این هم نیست و بیش از این هم بنده مصلحت نمیدانم

۸- تقدیم يك فقره لایحه معارفی از طرف آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - حالا که این عرایض را کردم این لایحه را هم از طرف وزارت معارف تقدیم میکنم

۹- بقیه شور لایحه اعتبار نظمیه

رئیس - آقای عدل

عدل - اولاً بنده پیش از مطلب خودم لازم میدانم به آقای وزیر عدلیه يك عرضی بکنم که تذکر نمایندگان در این قبیل مواقع مداخله در کار وزراء نیست ما خودمان را شریک و سهیم میدانیم با ایشان ما موافق دولت هستیم و اگر يك تذکری میدهیم برای پیشرفت کارهای آنها است ما میخواهیم که در این دوره مشغع اگر يك نواقصی هم در کارها است به ایشان تذکر داده باشیم و حالا ایشان به ما حمله میکنند ما برای کمک ایشان این عرایض را میکنیم نه اینکه ما بایشان حمله میکنیم که ایشان ما حمله میکنند آقای مؤید احمدی ایشان تذکر میدهند یعنی به نظمیه يك همچو نواقصی در بعضی ولایات هست و ایشان باید رفع کنند راجع باسراحت حال محبوسین هم که ایشان فرمودند بنده از فرمایش ایشان تعجب کردم که امروز در تمام دنیا بر خلاف نظریه ایشان است و در واقع محبس باید مثل يك مدرسه باشد نه مثل سیاه چال های قدیم و امروز تشکر ما از این دوره و از این دولت و سلطنت این است که همه زوایای مملکت توجه دارند حتی به حال محبوسین ما تشکر میکنیم از محبس هائی که ساخته شده است از اقداماتی که شده است منتها تذکر میدهیم که اگر نواقصی هست این رافع و اصلاح کنند و الا ایشان میخواهند بفرمایند که محبس بر گردد بحال قدیم بنده تصور میکنم که عقیده ایشان هم این نباشد امروز محبس هائی ما مثل مدارس ما باید اصلاح شود باید اینجا يك کاری شود که محبوس از آنجا بیرون

می آید مجبور نباشد که از نو برود از فرط تنگدستی برود دزدی بکنند همینطور که امثال این مکرر دیده شده است يك محبوس از محبس بیرون می آید از فرط گرسنگی از نو می رود بدزدی اقدام می کند اما عرض خود بنده . عرض خود بنده راجع به موضوع تأدیه مخارج محبوسین است که متأسف آقای وزیر مالیه رفتند و بنده میخواستم استدعا کنم این مخارجی که برای محبوسین تأدیه می شود این را اگر خیلی منظم برسانند در آخر ماه میدهند و حال آنکه از ابتدای ماه تا آخر ماه این يك محلی لازم دارد الان در خود طهران هزار و هفتصد نفر شاید این میزان ها محبوس دارد که تقریباً روزی دویست و پنجاه تومان همچو چیزی مخارج اینها میشود این را مجبور است خود نظمیۀ تدارک کند تا آخر ماه آنوقت آخر ماه برود حواله بگیرد این را تصور میکنم اسباب زحمت هم اداره است هم ملزومات اداره است اتفاق میافتد که در این اداره این میزان پول پیدا نمی شود و اداره میافتد بيك زحمت فوق العاده برای معاش حتی نان یومیۀ محبوسین و آنوقت محبوسین مبتلا می شوند بگرسنگی و اسباب زحمت فراهم می شود بنده میخواستم استدعا کنم که يك توجهی بکنند يك اعتباری به نظمیۀ بدهند که قبلاً هر ماه بتوانند آذوقه محبوسین را تدارک کنند که مرتباً با آنها برسانند.

وزیر عدلیه - البته اگر کسی در یکی از روزنامه ها

عرایضی که الان عرض کردم بخواند تمجب خواهد کرد که يك لایحه جزء دستور بوده است و بنده بعنوان اینکه مذاکره قبل از دستور است جواب بدهم ولی اگر بودند اینجا و میدیدند که موقعی که لایحه مطرح شده است بنده مشغول بودم و متوجه نبودم که لایحه مطرح است البته معذور خواهم بود

اما راجع به اصل قضیه که آقا در ابتدا فرمودند بنده آنرا هم اصل صحبت خودم قرار میدهم بنده باصطلاح معروف کردن از مو باربکتر است اهل حمله هم نیستم و هیچوقت هم این نظر را ندارم از نقطه نظر يك تذکری بود که بجای خودش آنرا هم لازم میدانم راجع باعتباری که می فرمایند آخر ماه دارند و گاهی هم شاید دو سه روز بآخر ماه مانده این صحیح است ولی آیا آقا خبر دارند یا اگر اینطور بوده بنده یقین دارم که خیلی بطور استثناء اتفاق افتاده است که هیچ وسیله نداشتند است محبس از برای اینکه مخارج بدهد یعنی گفته اند به محبوسین که شما يك ماه غذا نخورید و بعد از يكماه يك چنین اتفاقی افتاده بنده که همچو چیزی نشنیده ام و تصور نمیکنم همچو چیزی باشد که يكماه محبوسین بدون غذا مانده اند و در آخر ماه بابت ماه گذشته بهشان غذا داده اند این همچو نمی شود آقا راه طبیعی این همان کاری است که معمولاً میکنند از برای این کار يك اعتبار متحرک میگیرند و در آخر ماه صورت حسابش را میدهند و الا کدام محبوسی بوده است که باعتبار این که در ماه آتیه غذا خواهد خورد يك ماه گرسنگی خورده است و بنده یقین دارم که آقایان موافقت میفرمایند که لایحه زود تر بگذرد و کارهای دیگرمان مطرح شود بهتر است (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم به ماده واحده بورقه موافقین

ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و هشت

ورقه سفید تمداد شد)

رئیس عده حاضر در موقع اعلان رأی ۸۹ باکثرت ۷۸ رأی تصویب شد *

[۱۰ - شور اول لایحه ثبت شرکتهای]

رئیس - قانون راجع به ثبت شرکتهای مطرح است . مذاکره در کلیات است . آقای روحی

روحی - عرض میکنم . آقای وزیر عدلیه هر وقت که يك مذاکرانی این جا می کردند ما حسن استفاده میکردیم و هر موقع که در يك موضوعی صحبت میشد ایشان بایک پیشانی باز جواب می دادند و البته میبایستی هم تصدیق داشته باشند که بعضی از آقایان که يك تذکراتی میدهند فقط به نفع دولت و مملکت است و واقعاً از نظر وطن پرستی است حالا ممکن است گاهی اشتباهانی بشود و البته دولت هم در موقع خودش یادآوری میکند و رفع اشتباه میکند و باید واقعا بدانند که همه عرایضی که ما میکنیم فقط برای تذکر و یاد آوری است این را قبلاً معذرت خواستم ازشان که مطلب خودم را بعد عرض کنم و مطلبی را که دارم عرض کنم که جواب به بنده بفرمایند عرض میشود این قانون ثبت شرکتهای یکی از بهترین قوانینی است که آقای وزیر عدلیه تقدیم مجلس کرده اند میخواستم خدمتشان عرض کنم که چندی است در این شهر بلکه در این مملکت يك موسساتی بعنوان بیمه ایجاد شده است البته اینها هم مجبورند مطابق این قانون ثبت بدهند عایداتشان را هم معلوم کنند و بگویند و در تمام این جاها که این قانون

اجرا میشود شامل آنها هم میشود و از این حیث بنده نگرانی ندارم ولی از جایی که بنده نگرانی دارم این است که مطابق ترتیبی که در همه جا معمول است این شرکتهای بیمه بيك عایدات زیادی دارند و مقدار زیادی به آن دولت متوقف فیها میدهند بجهت این که پول کزاف از مردم بیجهت میگیرند آنوقت هم مستند هست فعلشان به هفتاد اگر اگر این ترتیب بشود بیمه مسئول نیست اگر آنطور بشود بیمه مسئول نیست اگر این جور بشود مسئول نیست بالاخره در این مملکت هم آن وسائلی که در اروپا هست نیست آن چیزهایی که در اروپا موجب حریق میشود ما نداریم کار است موجب حریق میشود ما نداریم الکتریسته است که ما نداریم پس اینها بيك پولی مفت بی جهتی از مردم میگیرند و بيك عده هم که دیده اند بيك مخاطراتی بر آنها متوجه است بانها رجوع میکنند پس باید این کمپانیها بيك عایدات بیشتری به دولت بدهند و همینطوری که در سایر جاهای دیگر میدهند ما هم رفتار کنیم و بعلاوه واقعا به بینیم اینها چه دارند چه ندارند تعهدشان چیست تضمینشان چیست بيك نظامنامه خاصی برای طرز عمل آنها برای معاملات اینها با مردم و مردم با اینها بنویسند و در نظر بگیرند و اینها همینطوری که عرض کردم بيك پولی میگیرند و اگر خساراتی واقع شد بيك حریق در يك عمارتی واقع شد این کمپانی بهزار طریق استدلال میکنند که این حریق از طرف خودتان بوده و کمپانی مسئول نیست و آخر سال هم آن پولش را میخواهد باید در بيك نظامنامه خاصی در نظامنامه که برای قانون شرکتهای مینویسند باید این را در نظر بگیرند که بالنسبه به این

* اسامی رأی دهندگان - آقایان : وهاب زاده - روحی - همراز - هزار جریبی - اقبال - ملک آرائی - فتحعلی خان

بختیار - دربانی - بتکدار - فتوحی - علوی سبزواری - افسر - ناصری - احتشام زاده - میرزا حسینخان انشار - امیرنیور میرزا محمد حسین نواب - دکتر ملک زاره - دکتر احتشام - دکتر لقمان - فتح الله خان ترونی - خواجوی - کفائی - اسکندری - حکمت طباطبائی وکیلی - مصدق جهانشاهی - میرزا علی چایچی - میرزا احمدخان صفاری - یات ماکو - رضاقلیخان باستانی - صل - میرزا محمد علیخان تربیت - مودمی - اورنگ - شریفی - رهبری - دیرسهرابی - سهرابخان ساکینان - مقدم - مجدضیائی - محمد علی میرزا دولتشاهی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - بیات - میرسیدمحمد محبط - آدینه جان یارعلی - یاسائی - دادور - مسعودی خراسانی امیر ابراهیمی - دکتر امیر اعلم - رهنما - دکتر شیخ - اعتبار - ملک مدنی - لاریجانی - محمدتقیخان اسعد - عراقی - ایزدی ابوالحسن خان بیرتیا - معصم سنک - جمشیدی - میر سید احمد بهبهانی - ملک زاده آملی - مولوی - تاقه الاسلامی - مغیر فرمند دکتر طاهری - امیر حسینخان بختیار - امیر دولتشاهی - طالشخان - آصف - میرزا بانس - میرزا محمدخان وکیل - حبیبی - مفتی

کمیانیهای بیمه يك نظر خاصی در نظر بگیرند و هم از عایداتشان دولت زیادهتر بگیرد همینطور که در جاهای دیگر میگیرند و هم يك کاری بکنند که حق مردم هم محفوظ بماند و این خسارت را اگر بتوانند شرایطش را کم کنند و در واقع اگر يك خسارتی متوجه شد مقداری از این حق بیمه که میگیرند بعنوان جبران خسارت بدهند و چون بنده جای دیگری نداشتم که این تذکر را بدهم در این قانون راجع به شرکتهای عرض کردم و امیدوارم این عرایض بنده مورد توجه آقای وزیر محترم عدلیه واقع بشود و این نظریاتی که عرض کردم البته خودشان مستحضر بودند مقصودم این بود که در موقع اجرا از نظرشان محو نشود

وزیر عدلیه - در اساس تذکری که نماینده محترم دادند کاملاً بنده موافق هستم نه از نقطه نظر عایدات برای اینکه قوانینی که عدلیه می آورد همیشه از نقطه نظر تأمین حقوق افراد است حالا اگر در ضمن يك جنبه عایداتی پیدا کنند آن مسئله ضعیفی است ولی اصل آن است ولیکن همانطوری که فرمودید کمیانیهای بیمه در خارج هم معمولاً يك احتیاطهای بیشتری نسبت به آنها میشود و حق هم این است که بشود بنابر این ممکن است که آقای يك پیشنهادی بدهند در کمیسیون برای شور دوم آن مسئله را در تحت مطالعه می آوریم و راجع بآنها البته آن احتیاطهایی که در ممالک دیگر راجع به کمیانیها و شرکتهای بیمه میشود ما هم رعایت میکنیم (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه با ورود در شور مواد موافقت قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:
ماده ۱ - هر شرکی که در ایران تشکیل و مرکز آن در ایران باشد دارای تابعیت ایران محسوب است
رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ - شرکتهای موجوده سهامی و مختلط ایرانی باید در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت راجع به شرکتهای تطبیق

نمایند والا مدیران آنها به یکصد الی یک هزار تومان مجازات نقدی محکوم خواهند شد و بعلاوه حکم انحلال آنها بتقاضای مدعی العموم بدایت محل صادر خواهد گردید.

رئیس - ماده سوم قرائت میشود:
ماده ۳ - هیچ شرکت خارجی نمیتواند در ایران با امور تجارتی - مالی - صنعتی یا غیر آن مبادرت نماید مگر اینکه در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در ایران مطابق مقررات ذیل در اداره ثبت اسناد طهران به ثبت رسیده و اعلانات مذکوره در ماده ۱۷ این قانون نسبت بآن بعمل آمده باشد.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:
ماده ۴ - تقاضای ثبت هر شرکت بوسیله شخصی که در ایران از طرف شرکت حق امضاء دارد و یا بتوسط وکیل که از طرف شخص مزبور برای این تقاضا وکالت دارد بعمل خواهد آمد

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:
ماده ۵ - برای ثبت هر شرکت تقدیم اسناد ذیل لازم است

- ۱ - تقاضا نامه ثبت در دو نسخه
- ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه شرکت
- ۳ - يك نسخه مصدق از اختیار نامه نماینده عمده شرکت در ایران

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:
ماده ۶ - تقاضا نامه ثبت باید در دو نسخه و بفارسی نوشته شده و دارای نکات ذیل باشد

- ۱ - اسم شرکت بطور کامل
- ۲ - نوع شرکت (سهامی یا ضمانتی یا مختلط یا غیره)
- ۳ - مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن
- ۴ - تابعیت شرکت
- ۵ - مقدار سرمایه شرکت
- ۶ - بیلان آخرین سال مالی شرکت
- ۷ - در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت دار شرکت تقاضا کننده مطابق قوانین مملکت

اصلي خود ثبت شده است

- ۸ - شرکت بجهت نوع تجارت و یا صنعت و باعمل دیگر در ایران مبادرت میکند
- ۹ - شعب آن در کدام يك از نقاط ایران موجود است
- ۱۰ - نماینده عمده شرکت در ایران کیست

رئیس - ماده هفتم قرائت می شود. آقای دکتر طاهری فرمایشی دارید؟

دکتر طاهری - بلی در ماده ششم. عرض کنم در ماده سابق بنده خواستم عرض بکنم فرصت نشد حالا موقع را غنیمت میدانم که سؤال کنم که آن نسخه مصدق از اساسنامه شرکت و نسخه مصدق از اختیار نامه مقصود چه تصدیقی است مصدق به تصدیق عدلیه است یا وکیل آن و در این ماده ۶ خواستم عرض کنم که میگوید نماینده شرکت در ایران کیست مقصود از نماینده عمده کیست برای اینکه يك چیزی است که معلوم نمیشود نماینده عمده يك چیزی نیست که معلوم بيك چیزی بشود و بيك حدودی ندارد که بعقیده بنده بشود معین کرد یکی دیگر اینکه مراد از مصدق تصدیق کیست و یکی هم اینکه توضیح بدهند که نماینده عمده منظور چیست؟

وزیر عدلیه - راجع به قسمت مصدق اگر آقا مراجعه بفرمایید بماده هفت مطلب روشن میشود در ماده هفت نوشته شده است: سواد اساسنامه و اختیارات نماینده عمده شرکت در ایران و همچنین بیلان آخرین سال مالی شرکت باید در مرکز اصلی شرکت بتوسط رئیس هیئت مدیره و یا هر شخص دیگری که نماینده مجاز شرکت باشد تصدیق گردد این مصدقی که میگوید وقتی که اساسنامه را که مینویسند باید آنکسی که رئیس شرکت است آثار تصدیق کند و در ماده هشت مینویسد: اوراق مذکور در ماده فوق باید با امضاء نماینده سیاسی یا قونسولی ایران در مملکتی که اوراق مزبور در آن جاتهبیه شده است و یا با امضاء نماینده سیاسی یا قونسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد این تصدیق هم

برای این است که تصدیق شود که این امضاء امضاء رئیس هیئت مدیره است بنا بر این دیگر این قسمت (مصدق) روشن میشود. اما راجع به قسمت نماینده عمده. ممکن است يك شرکتهای چندین نماینده داشته باشد همینطوری که ما میگوئیم که مدیر کل و شعبه ها مدیر های جزء داشته باشد این ممکن است مختلف باشد و همه جا بیش بینی کرده اند و برای شرکتهای خارجی که این جا هست این مربوط آنها است و این قسمت مخصوص و مربوط بآنهاست و این قضیه هم اشکالی ندارد
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - چنانکه در ماده اول ذکر شده هر شرکت خارجی که در ایران تشکیل بشود تابع ایرانش میدانیم و در این صورت عطف کردن بعضی مواد که اصل شرکت اگر در خارج باشد چنانچه در این ماده میگوید که باید بگوید نماینده عمده آن در ایران کیست این جا عطف میکنند مطلب را به این که رئیس کل شرکت که در خارج است در صورتیکه ما قانون را باید بطوری بنویسیم نظری به آنکه در خارج است نداشته باشیم اصل این موسسه تجارتی که در ایران است ما آنرا تابع ایران میدانیم و برطبق این قانون با آنها معامله میکنیم در این باب خوب است آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند

وزیر عدلیه - بنده قطع دارم که در این جا نماینده محترم يك اشتباهی فرمودند و متوجه بمواد نشدند و الا خودشان بهتر میدانند که ایرادشان وارد نیست چطور میشود تصور کرد که هر شرکت خارجی که در ایران است ما او را از اتباع ایران بدانیم چون معنائی که مینویسد در ماده اول که اشاره گردید این است بنده حالا میخوانم هر شرکتهای که در ایران تشکیل شد و مرکز آن در ایران باشد دارای تابعیت ایران محسوب است حالا این شرکتهایی که در خارج تشکیل شده اند شرکتهای در خارج است بالاخره شرکت خارجی هستند این را ما معتقد هستیم در قوانین خود مان که

ممکن است در ایران شرکتهای خارجی هم باشد البته هستیم برای اینکه يك شرکتهائی هستند که خارجی هستند و در این جا هم کار میکنند آنوقت ما برای آنها يك تکالیفی معین کردیم که باید آنها در اینجا ثبت بشوند این هم اختصاص به مملکت ما ندارد در همه جای عالم این تکلیف را برای آنها معین کرده اند و این ثبت شدن دال بر این نمیشود که تابعیت ایران را داشته باشند بنده تصور میکنم که نظر تان رفته است باین معنی که میگوید همه اشخاصی که در ایران هستند و کلیه شرکتهائی که در ایران هستند تابع قانون ایرانند این يك موضوع علیحده است یعنی باید مطابق قوانین ایران رفتار کنند بعبارت دیگر این که شامل حال آنها قوانین ایران میشود در معاملاتی که این جا میکنند نه این که تابعیت آنها نه این که ملیت آنها تغییر میکند يك فرد خارجی هم که در ایران است یا فرد ایرانی که در خارج است از نقطه نظر اغلب قوانین تابع قانون محلی است غیر از احوال شخصی ولیکن نمیشود گفت که چون در آن مملکت در تحت قانون آن مملکت زندگانی میکنند و تجارت میکنند و کار میکنند تابع آن مملکت است بمعنی تابعیت این جا يك تفاوتی است بین این که تابع آن مملکت است یا اینکه تابع قوانین آن مملکت است.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده این جا يك توضیحی میخواستم راجع به اینکه میگوید که شرکت بچه نوع تجارت و یا صنعت و یا عمل دیگر در ایران مبادرت میکنند بنظر بنده این قسمت که يك شرکتی خودش را معرفی میکند به این که چه نوع کاری میکند مثلاً يك شرکتی تأسیس شده است مثلاً برای معاملات فرش حالا این شرکت اگر خواست در ضمن عمل کتیرا هم بخرد خشکبار هم بخرد این مطابق این قانون شاید مانع داشته باشد و این يك تضيیقی برای شرکت خواهد بود و بنظر بنده اشکال دارد اگر خیر مقصود این نیست آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که معلوم شود.

ولی در پرگرامش این است که وسعت بدهد در جاهای دیگر هم داشته باشد این را هم عقیده ام اینست که نوشته شود شعب آن در کدام نقاط ایران موجود است و توسعه پیدا خواهد کرد و یا موجود خواهد شد يك همچو چیزی **وزیر عدلیه** - در قسمت اول پیشنهاد بدهید در کمیسیون در نظر گرفته میشود گمان میکنم اشکالی نداشته باشد اما قسمت دوم بنده خیال میکنم که ضرورتی ندارد باین فرمول بنویسیم برای اینکه در هر صورت آن شعبی که موجود است باید بنویسند و شعبی هم که میخواهد ایجاد کند در موقعش ثبت خواهد شد بنا بر این چه فایده دارد بنویسیم شعبی که موجود است و بعد درست خواهد شد البته آنها بعد ثبت خواهد شد

رئیس - پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست

پیشنهاد میشود در فقره ۱۰ ماده ۶ نوشته شود ۱۰ نماینده اصلی شرکت در ایران کیست **رئیس** - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - سواد اساسنامه و اختیارات نماینده عمده شرکت در ایران و همچنین بیلان آخرین سال مالی شرکت باید در مرکز اصلی شرکت بتوسط رئیس هیئت مدیره و یا هر شخص دیگری که نماینده مجاز شرکت باشد تصدیق گردد. امضا های آنها باید بتصدیق مقامات صلاحیت دار مملکتی که امضاء در آنجا واقع شده است برسد

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - عرض کنم که در اینجا نوشته است بیلان آخرین سال مالی شرکت باید ضمیمه باشد عرض کنم در ماده بیست مدت را شش ماه تعیین کرده اند و در صورتیکه نتواند حاضر کند شش ماه تمدید داده شود و آنوقت بسال بعد می افتد بنده میخواستم توضیحی بفرمایند در صورتیکه تمدید داده شده است آنوقت بیلان آخرین سال را باید بدهد یعنی بیلان سال گذشته را باید بدهد یا سالی که بعد تمام میشود

وزیر عدلیه - تقاضا نامه میگویند که باید دارای این نکات باشد پس هر وقت که تقاضا نامه را میدهد بیلان آخرین سالی که قبل از آن تقاضا نامه است باید بدهد **رئیس** - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده ۸ - اوراق مذکور در ماده فوق باید به امضاء نماینده سیاسی یا قنصلی ایران در مملکتی که اوراق مزبور در آنجا تهیه شده است و یا بامضاء نماینده سیاسی یا قنصلی دولت متبوع شرکت در ایران برسد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در ماده هفت آخر ماده مینویسد که امضا های آنها باید بتصدیق مقامات صلاحیت دار مملکتی که امضاء در آنجا واقع شده است برسد معنی این است که امضا های مذکور در ماده فوق باید بامضای نماینده سیاسی یا قنصلی ایران یا بامضای نماینده سیاسی یا قنصلی دولت متبوع شرکت در ایران برسد مقامات صلاحیت دار مگر غیر از این است پس خوب است توضیح بدهید که ملتفت شویم

وزیر عدلیه - در هر مملکتی از برای اینکه شرکت را ثبت کنند مقرراتی هست و معین میکنند که در کجا این شرکت باید ثبت شود همانطوریکه خصوصاً در ایران شرکتی که باید به ثبت برسد ما میگوئیم که در اداره ثبت اسناد باید به ثبت برسد همینطور هم در سایر جا ها میگویند در اداره ثبت یا در پیش نوتر یا دفتر اسناد رسمی باید این به ثبت برسد آن مقام صلاحیت دار اوست تصدیق نماینده سیاسی یا قنصلی ما در این مملکت و یا تصدیق قنصل یا نماینده سیاسی در مملکت ما برای این است که بگویند این امضاء امضاء آن مقام صلاحیت دار است این مهر مهر مقام صلاحیت دار است پیش از این را تصدیق نمیکند **رئیس** - آقای عدل پیشنهاد شما راجع بماده هشت است.

عدل - خیر راجع به فقره هشتم ماده قبل است

رئیس - می رود بکمیسیون. ماده نهم قرائت میشود: ماده ۹ - پس از آنکه شرکت خارجی در طهران به ثبت

رسید هر يك از شعب آن در ایران نیز باید در اداره ثبت اسناد محل وقوع خود ثبت گردد و اگر در محل مزبور در آنموقع ثبت اسناد نباشد باید در دفتر محکمه ابتدائی محل ثبت شود

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عرض میکنم در صورتیکه اصل شرکت مطابق ماده شش ثبت شد در مرکز اسم شرکت نوع شرکت مرکز اصلی شرکت تابعیتش مقدار سرمایه اش جایش در چه محل یا در چه تاریخ است و در مرکز ثبت شد دیگر چه ضرورت دارد که شعبش هم در ولایات ثبت بشود از این جهت بنده تصور میکنم لازم نباشد.

وزیر عدلیه - اساساً در اینکه ثبت شعبش هم لازم است حرفی نیست و در اینجا بنده خیال میکنم که آقا هم موافقت بفرمائید همینطور سایر آقایان هم موافقت بفرمایند همینطور باشد برای اینکه کسی که سرور کار باشه دارد بتواند بيك دفتری نگاه کند به بیندو وضعیات این شعبه چیست مدیریتش کیست نماینده که حق امضاء دارد کیست و بالاخره جاوگیری بکند از اینکه يك اشخاص متقلبی هم يك کارهائی بکنند منتهی حالا در اینکه این ثبت در ولایات باشد یا اینکه ثبت شعب در طهران بشود و بعد بفرستند برای ولایات بفرستند از دفاتر آنجا این يك نکته است که بعضی از آقایان و کلاهم به بنده تذکر دادند بعد از انتشار لایحه و ممکن است این را در کمیسیون مذاکره و مباحثه کنیم که شاید سهاتر باشد که این را در اینجا ثبت کنند و بعد دفترش یعنی باصطلاح آن قسمتی که مربوط باینکار است برود در يك دفاتر مخصوصی در شما که ابتدائی هر محل در آنجا باشد که اشخاصی که بخواهند بتوانند مراجعه کنند.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - بنده هم همانطور که آقای مؤید احمدی اظهار داشتند يك عرایضی داشتم مسئله شرکتهای باید تسهیل کرد این را نباید طوری کرد که نتوانند بعمل

برسند و قبیکه يك شرکمی خواه داخلی خواه خارجی در طهران سرمایه اش را معین کرد و کارش راهم معین کرد و ثبت شد آن وقت شعب این هم اسناد و مدارکی تهیه بکنند در هر کجائی که شعبه دارند به ثبت برسانند این اسباب زحمت است البته تولید اشکال میکنند برای شرکتهای خیلی سخت است کار آسانی نیست ممکن است ما مقیدش کنیم که در هر جائی که شعب شرکت تشکیل میشود يك ورقه يك چیزی به ثبت اسناد محل بفرستند که من شعبه فلان شرکتیم که در مرکز ثبت شده و این هم نوع عمل و کار من است و الا بخواهد يك اسناد و مدارکی تهیه بکنند برود هر شعبه آن مدارک و اسنادش را ثبت بکنند این اسباب اشکال است.

وزیر عدلیه - بنده در این قسمت چون جواب عرض کردم جوابی عرض نمیکنم ممکن است پیشنهاد بدهند رئیس - آقای عدل

عدل - بنده در فقره دوم که مینویسد سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران چون در ماده سه نوشته شده است که این ثبت ابتدائی باید در طهران باشد این است که عقیده بنده این است که نوشته شود سواد مصدق ثبت سند خود شرکت در مرکز باشد (وزیر عدلیه - پیشنهاد بفرمائید) يك عرض بنده هم راجع بآخر ماده است مینویسد سواد اخیر باید بتوسط نماینده عمده شرکت در ایران که باین عنوان ثبت شده است مصدق باشد مقصود این است آن شعبی که ثبت میدهند در ولایات که امضای آن نماینده عمده تنها کافی نخواهد بود دلیلش هم این است که در ولایات مثلاً رئیس ثبت مشهود چه میشناسد امضای فلان رئیس شرکت راه این است که بنده عقیده دارم عوض اینکه امضای نماینده را داشته باشد تصدیق ثبت طهران را داشته باشد آن تقاضا نامه که در ولایات میدهند تصدیق ثبت طهران را داشته باشد و الا امضای رئیس يك شرکت مثلاً در مشهد امضای رئیس طهران را چه میشناسد

وزیر عدلیه - در این قسمت ها ممکن است پیشنهاد بفرستید برود بکمیسیون.

رئیس - ماده دهم قرائت میشود:

ماده ۱۰ - برای ثبت شعبه شرکت تقدیم مدارک ذیل لازم است:

۱ - تقاضا نامه ثبت مطابق مقررات ماده ۴ در سه نسخه و بفارسی

۲ - سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران

۳ - سواد مصدق اختیار نامه نماینده که مدیر شعبه است سواد اخیر باید بتوسط نماینده عمده شرکت در ایران که باین عنوان ثبت شده است مصدق شده باشد

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۱ - اگر علاوه بر نماینده عمده شرکت که اسم آن مطابق ماده ۶ در موقع ثبت شرکت به ثبت رسیده و یا نمایندگانی که مدیریت شعب را داشته و اسم آنها

مطابق ماده ۱۰ در موقع ثبت شعب ثبت شده شرکت خارجی در ایران نمایندگانی داشته باشد که حق امضاء از طرف آن دارند اسم نمایندگان مزبور نیز باید بر تریبی که برای شعب شرکت فوقاً مقرر است ثبت شود و لی ثبت اسامی مستخدمین جزء شعب بانکها و یا تجارتخانهها که حق امضاء دارند از قبیل محاسب و وکیل و غیره اجباری نیست

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۲ - هر گاه یکی از نکات مذکور در مقررات

۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ ماده ۶ تغییر یابد این تغییر نیز باید در اداره ثبت اسناد یا دفتر محکمه که خود شرکت و هر يك از شعب و نمایندگان آن در آنجا به ثبت رسیده اند کتباً اظهار گردد

این اظهار نامه باید در طهران دو نسخه و در ولایات سه نسخه بوده و بفارسی نوشته شده و بامضای نماینده شرکت در محل و یا نماینده عمده آن در ایران برسد

رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۳ - اگر شعب جدیدی تأسیس و یا نمایندگان جدیدی معین شود شعب و نمایندگان مزبور باید هم مطابق

ماده ۹ با اداره ثبت اسناد یا دفتر محکمه که در حوزه آن تأسیس و یا معین شده اند و هم مطابق فقره ۱۰ ماده ۶ با اداره ثبت اسناد طهران اظهار گشته و در آنجا ثبت شود

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - اگر نماینده عمده شرکت در ایران تغییر یابد باید قائم مقام او برای ثبت سمت خود اسناد ذیل را با اداره ثبت اسناد طهران تقدیم دارد.

۱ - تقاضا نامه بفارسی در دو نسخه که شخصاً امضاء کرده باشد

۲ - اختیارات خود مطابق ماده ۷ و ۸

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - کلیه اوراق و اسنادی که مطابق مواد فوق لازم است بتقاضا نامه ها منضم گردد باید بفارسی تهیه شده و یا يك ترجمه مصدق از آن بفارسی ضمیمه آن شود.

رئیس - ماده شانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۶ - مراجعه بدفاتر ثبت اسناد که شرکت با شعب آن مطابق ماده ۳ و ۹ این قانون در آنجا ثبت شده است برای مردم آزاد و هر ذینفعی میتواند از مندرجات آن سواد مصدق تحصیل کند

رئیس - ماده هفدهم قرائت میشود:

ماده ۱۷ - در ظرف یکماه از تاریخ ثبت شدن شرکت با شعبه آن اساسنامه شرکت و اسم نماینده عمده آن در ایران و هم چنین اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضاء دارند باید در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه های یومیه منتشر شود

رئیس - ماده هیجدهم قرائت میشود:

ماده ۱۸ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دائر شود باید مراتب مذکور در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این انتشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقی اینکته مربوط بکدام شعبه است بعمل آید

رئیس - ماده نوزدهم قرائت میشود: ماده ۱۹ - در موارد مذکور در مواد ۱۲ و ۱۳ نیز تغییرات حاصله باید در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید بومیه طهران منتشر شود و اگر تغییر فقط بیکي از شعب راجع باشد انتشار باید بعلاوه مطابق ماده قبل بعمل آید

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود:

ماده ۲۰ - هر شرکت خارجه که در تاریخ اجراء این قانون در ایران مشغول بامور تجارتي - صنعتی - مالی یا غیر آن باشد باید در ظرف ۶ ماه از تاریخ مزبور تقاضانامه ثبت خود و شعب خود را مطابق مقررات این قانون تقدیم دارد. اگر تقاضا کننده نتواند در مدت مزبور کلیه اوراق لازم را تهیه نماید باید از رئیس محکمه ابتدائی محل مهلتی که بیش از شش ماه نخواهد بود تقاضا کند رئیس مزبور این مهلت را بموجب قرار خصوصی که صادر می کند خواهد داد.

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت میشود:

ماده ۲۱ - هر شرکتی که تقاضانامه ثبت را با شرایط و در مواعد مقرر در مواد فوق تقدیم نماید از مهلت های ذیل بهره مند خواهد شد

الف - برای تقاضای ثبت شعب و اسم نمایندگانیکه در مملکت ایران مشغول تجارت هستند دو ماه از تاریخ صدور سند ثبت خود شرکت

ب - برای تقاضای ثبت شعب یا نمایندگانیکه ممکن است بعدها در ایران تشکیل و یا تعیین گردند دو ماه از تاریخ تشکیل و یا تعیین آنها

ج - برای تقاضای ثبت تغییرات حاصله در شعب و یا نمایندگانیکه در ایران دارد که از آنجمله نماینده عمده شرکت در ایران است دو ماه از تاریخ تغییر.

د - برای تغییرات حاصله در خود شرکت سه ماه از تاریخ تغییر اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا باستانی شرق اقصی و یا در اروپا و یا در افریقای شمالی باشد و چهار ماه در سایر ممالک

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم در این قسمت (دال) که مینویسد برای تغییرات حاصله در خود شرکت اولاً توضیح داده شود که مقصود از تغییرات حاصله در خود شرکت چه نوع تغییر است و ثانیاً این تفاوت مدت هائی که اینجا نوشته شده است که از تاریخ تغییر اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا باشد باستانی شرق اقصی و یا در اروپا و یا در افریقای شمالی باشد این تفاوت مدت از چه نقطه نظر است که مستثنی و مستثنی منه است.

وزیر عدلیه - عرض کنم تغییراتی که در خود شرکت میشود در شعب هم ممکن است حالا بنده مثال میزنم فرض بفرمائید نوع کارش را میخواهد در اینجا تغییر بدهد همین یکی هم ممکن است مورد پیدا کند و حال اینکه خیلی مورد دارد و اما این استثنائاتی را که ملاحظه میفرمائید تفاوتی که گذاشتیم برای فاصله است در جاهائیکه نزدیکتر است و سایل ارتباطیه بیشتر است حساب این را کردیم و کمتر قرار دادیم و آنجا هائی که فاصله بیشتری لازم دارد آنجا را مدت بیشتری گذاشتیم.

رئیس - ماده بیست و دوم قرائت میشود:

ماده ۲۲ - هر يك از مهلت های مذکور در ماده فوق ممکن است بموجب قرار محکمه ابتدائی که نظر بتقاضای اشخاص ذی نفع صادر میشود برای یکمرتبه و بهمان مدت تمدید گردد.

رئیس - آقای طاهری

طاهری - اینک مینویسد هر يك از مهلت های مذکور نظر بتقاضای اشخاص ذینفع ممکن است تمدید شود یعنی اگر مثلاً نماینده عمده شرکت تغییر کرد چند ماه مهلت داشت دو ماه مهلت داشت که بیاید خودش را معرفی کند اگر چنانچه معرفی نکرد ممکن است چهار ماه بشود در صورتیکه ممکن است بیک اشخاص دیگری مضر باشد اگر این شخص معرفی نکرده باشد

و به ثبت نرسانده باشد امضای خودش را و اسامی که دال بر صحت نمایندگیش است چه در خود مرکز چه در شعب اگر نفع یکنفر هست ممکن است بضر اشخاص دیگر باشد بنا بر این بنظر بنده درست در نمایان نظر بتقاضای اشخاص ذینفع ممکن باشد این مدت را تمدید ندهند بعلم اینکه يك شرکت مهمی که نماینده اش عوض میشود یا در مرکز یا در شعب اگر چنانچه معرفی نکند امضای خودش را بجائی باینکه بنده دوش ذینفع هستم اگر تأخیر بیندازد يك اشخاص دیگری زیضر میشوند **وزیر عدلیه -** البته ممکن است زیضر بشوند همانطور که میفرمایند ولیکن از طرف دیگر تصدیق باید کرد که در بعضی موارد باید مهلت داد برای اینکه این شخص از نقطه نظر استتکاف از مواد قانون نبوده است يك محظوراتی پیش آمده است که نتوانسته است این کار را بکند و از يك بیانی که حالا آقا فرمودید بنده استفاده میکنم که این را از حالا بگویم که پس از آنکه شور اول این قانون از کمیسیون گذشت بنظر بنده رسید و حالا هم در کمیسیون مطرح میکنیم و شاید کمیسیون هم موافقت کند و بعد بمجلس بیاوریم که مادام که نماینده تغییرش ثبت نشده است اصلاً ما آن نماینده اولش را میشناسیم برای اینکه اشخاصی باعتبار آن دفتر ثبت میروند معامله میکنند این نمیشود که يك روزی شرکت بیاید اطلاع بدهد که این نماینده من نیست قبل از اینکه این مسئله ثبت شود اشخاصی که رفته اند رجوع کرد اند بدقت آن شخص را صاحب امضاء از طرف شرکت دانسته اند با و بیک تعهداتی يك قرارداد هائی کرده اند آنوقت بعد معلوم میشود که خیر آن شخص رفته این را در هر صورت فکر میکنیم که نظر آقا تأمین شود ولی ممکن است مواردی پیش بیاید که واقعاً لازم باشد مهلتی داده شود آهم يك محکمه این قرار را مینهد و رسیدگی میکند که این شخص آیا حق داشته این تقاضا را بکند و آیا طوری هست که لازم باشد واقعا باو مهلت داده شود یا نه؟ اگر ضرورت داشته باشد البته میدهد

رئیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود:

ماده ۲۴ - تخلف از هر يك از مقررات این قانون و یا تأخیر در انجام هر يك از آنها مستلزم جریمه از پنجاه الی یک هزار تومان است جریمه مزبور بتقاضای مدعی العموم بدایت و بموجب حکم محکمه ابتدائی محل و نظر با اهمیت امر و یا بمدت تأخیر معین میگردد بعلاوه محکمه باید برای هر روز تأخیر اضافی که بعد از صدور حکم مذکور حاصل میشود تأدیه پنج الی پنجاه تومان را مقرر دارد و هر گاه سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی تخلف ادامه یابد دولت از عملیات شرکت در ایران یا شعبه که تخلف کرده جلوگیری خواهد کرد

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود:

ماده ۲۵ - جز در مورد ماده بعد هر شرکت خارجی که مطابق مقررات این قانون رفتار نماید علاوه بر جریمه های نقدی فوق از دارا بودن شخصیت حقوقی و حق اقامه دعوی در محاکم ایران نیز محروم خواهد بود اشخاصیکه حق آنها از شرکتهای مزبور تلقی شده باشد همین محرومیت را نسبت به حقوق مزبوره خواهند داشت ولی دعاوی که بر علیه آن شرکت و یا آن اشخاص اقامه میشود در محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم این ماده يك بام و در هوا است که از آقای وزیر عدلیه خواهش میکنم که مخصوصاً در کمیسیون بیشتر باین ماده اهمیت بدهند برای اینکه از يك طرف اگر شرکت بر سایر مردم دعاوی داشته باشد يك جور است و اگر مردم بر این شرکت دعوی داشته باشد يك جور. حالا این البته از نقطه نظر جریمه ایست که برای

شرکتهائی که مقررات ثبت دولت را رعایت ننموده اند معین شده ولی اول ماده بادمش کاملاً متناقض است. عرض کنم شرکتی که خودش را به ثبت نرسانده باشد برای این شخصیت قانونی قائل نیستند و وقتی که شخصیت قانونی قائل نشدید آنوقت چطور میشود دعاوی سایرین را بر علیه این بپذیرید؟ همانطور که خودش نمیتواند اقامه دعوی بکند دیگری هم نمیتواند بر علیه او اقامه دعوی کند. پس این بنظر بنده متناقض است. ویکی دیگر راجع به افرادی است که از بابت آن شرکت دعاوی دارند اگر یک شرکتی فرضاً دارای شخصیت قانونی نبود اما افراد که دارای شخصیت قانونی هستند دعاوی افراد را نمیتوانم بچه نظر رد کرده اند. این دعوی است این شخصی است که حقوق دارد و باید دعاوی او پذیرفته شود بعلاوه تناقض هم باید از این ماده مرتفع شود زیرا اگر شرکت را دارای شخصیت قانونی نمی شناسند باید دعاوی له یا علیه او هر دو را قبول نکنند ولی اگر دارای شخصیت قانونی شد باید افراد هم بتوانند دعوی کنند. و اگر بگویند که ما میخواهیم اینرا یک جریمه قرار بدهیم به عقیده بنده دعاوی هم که بر علیه آنها هست آنها را هم نباید بپذیرفت آن وقت کسی نمی رود با چنین شرکتی معامله کند وقتی که شرکت را جریمه کردند و مردم دیدند یک شرکتی ثبت نرسیده با او معامله نمی کنند.

وزیر عدلیه - اینکه فرمودید اصل محروم کردن یک شرکت از حق اقامه دعوی بواسطه این که ثبت نشده است یک ضامن اجرای خیل سختی است و جزای زیادی است. خوب. این یک مطلبی است که نوشته میشود درش هم میشود بحث کرد. و بنده خود هم اعتراف میکنم که موضوع باندازه مسلم نیست این طرفش که نشود برای آن طرف دیگرش یک دلایل لاهی آورد. میشود گفت که این خیلی زیاد است و گفت خوبست شما جریمه را بپذیرید ولی محروم کردن یک شرکتی را از حق اقامه دعوی این زیاد است. این مسئله قابل بحث

است و آقا اگر در این زمینه پیشنهادی دارید ممکن است بفرمایند. اما در باب مقصودی که ما داشتیم. مقصود ما اولاً تضییق نبود. بلکه مقصود این بود که شرکت هائی که در ایران می آیند و بخواهند کار بکنند با اصطلاح معمولی خودمان قدمشان بالای چشم همانطور که در مملکت خودشان وقتی یک شرکت خارجی میاید ازش تقاضا میشود که باید به ثبت برسد در این جا هم همانطور عمل کنند تا ما بدانیم که واقعا شرکت است. ما بر شرکت خارجی تضییق نمیکنیم این بر انهایی که با اسم شرکت خارج در این مملکت می آیند و بالاخره گاهی معلوم میشود که هیچ اساسی نداشته از برای جلوگیری آنها است. مادر محاکم مواردی را پیدا کرده ایم اشخاصی آمده اند با اسم کمپانیهای معروف در این جایک معاملات کرده اند و با اسم آن شرکت میکنند یک کار هائی کرده اند و خودشان را شعبه آن کمپانیها تشکیل داده اند پس از اینکه مدت گذشت طلبکار هائی که فشار آوردند معلوم شد که هیچ پیروائی نداشته است. بان صاحبش فشار آوردند معلوم شد که هیچ مایه نداشته بان شرکت که رجوع کردیم گفته است که ما اینرا نمی شناسیم قریب هشتاد هزار تومان یکی از اینها با اسم این که من یک شرکتی هستم کلاه مردم را برداشته و فرار کرده است و یکسال هم هست که در تحت تعقیب است اما چه نتیجه برای این اشخاص دارد؟ پس خوست این موضوع را هم این جا در نظر گرفت و بنده مخصوصاً اینرا خواستم این جا عرض کنم که شرکت های خارجی در نظر بیاورند که عین این مقررات باشیبه باین مقررات در ممالک خودشان هم راجع بشرکت ها هست. و شرکتها در آنجا باید ثبت شود و روی هم رفته این نظر بدی نیست. برعکس ما خیلی میل داریم که شرکت های خارجه در ایران بیانند کار کنند و استفاده ببرند البته از برای دولت و مملکت هم نافع باشند. ولی در هر صورت همان طور که در تمام ممالک این کار شرکت ها یک ترتیبی دارد در این جا هم در تحت آن ترتیب و بان مقررات رفتار کنند و آنوقت

بچه کسی ما میگوئیم که آقا حق اقامه دعوی ندارد؟ بان شرکتی که بعد از شش ماه مهلت که بازم میگوئیم شش ماه برش اضافه شود بعد از یکسال باز نمی آید تقاضای ثبت کند بایک چنین شرکت آن چنانی با اصطلاح بیک چنین شرکتی عرض میکنم ما آمده ایم و میگوئیم اما دیگر نمیگذاریم اقامه دعوی بکسی بکنی برای اینکه این جایک جائی است که سریل است و میشود جلوش را گرفت با وجود این ها عرض کردم اگر در این زمینه یک پیشنهادی بفرمائید ما بایک حسن نیتی این را در کمیسیون مطالعه می کنیم و بحث میکنیم بلکه بتوانیم ضامن اجرائی که اینقدر شدید نباشد معین کنیم. اما راجع باین که فرمودید قسمت اول و دوم ماده متناقض است برای اینکه در قسمت اول مینویسد «شخصیت قانونی نخواهد داشت» بعد می نویسد «اقامه دعوی بر او میشود کرد» فرض بفرمائید یا این است که دارای یک حقوقی هست یک نوع از معاملات را میتواند بکند ولی یک نوع دیگر از معاملات را نمیتواند بکند. در ممالک ما این مثالی که الان میزنم هست یک زن شوهر دارد در مملکت ما از اداست که املاک خودش را به ترتیبی که می خواهد معامله کند ولی در بسیاری از ممالک خارج هست در فرانسه من باب مثال عرض میکنم که زن نمی تواند مال غیر منقول خودش را بدون اجازه شوهرش معامله کند. پس در آن جا ها زن دارای شخصیت است ولی یک شخصیت محدودی در مسئله افراد هم ممکن است همینطور باشد. یعنی دارای شخصیت محدودی باشند. ما هم در اینجا آمده ایم و روی هم رفته یک شخصیت محدودی در معنی قائل شده ایم طرفی که بر او اقامه دعوی میشود گفتیم شخص محترمی است و میشود بر او اقامه دعوی کرد اما این که خودش می رود و اقامه دعوی کند نه اما اینکه میفرمائید چرا؟ و آنطرف هم حق اقامه دعوی بر این نداشته باشد این از راه جریمه نیست ممکن است فرضی شود که این ماده بیشتر از برای آن شرکتهائی است که نمیخواهند تابع این قانون باشند و آلهائی که شاید در شان یک سوسه

باشد وضع میشود و الا شرکتهای صحیح را بنده قطع دارم خیالی سرعت میروند و ثبت میکنند. این قانون برای آن اولی هاست. ما گفتیم خوب اگر کسی از اینها طلب داشت میتواند بر او اقامه دعوی کند و اگر آنطور که میفرمائید باشد یکعده کارشان معوق میماند. راست است وقتی که گفتیم این شرکت یک شرکتی است که نمیشود برش اقامه دعوی کرد کسی با او معامله نمیکند اما کدام مردم؟ در کجای دنیا مردم عادی وارد این جزئیات میشوند این کار اشخاصی است که اهل فن باشند اهل قانون باشند و اطلاع داشته باشد از قضایا که وقتی که معامله میکنند این دقت ها را بکنند اما یک بدبختی که رفت به نمایندگی فلان کمپانی بخیال خودش مبالغی بفرود شد هیچ آمد آنروز تحقیق کند که آیا این نماینده آن کمپانی هست یا نه؟ ولیکن چندین هزار تومان مال مردم را برداشت و رفت پس بنا بر این عقیده بنده اینست که در اصل مطلب آقا هم موافقت بفرمائید راجع به این قسمت اگر قبول کردیم که آنها هم محروم باشند از حق اقامه دعوی باید آنطرفش را که برشان اقامه دعوی میشود آنرا رد نکنیم و باید باشد. حالا با وجود این اگر در این ماده پیشنهادی دارید بفرمائید عرض کردم بنده با نظر مساعدی مطالعه میکنم بلکه یک طوری بکنیم که نظر آقا تأمین شود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم بنده شخصاً نظر خصوصی ندارم فقط یک تذکری بود که میخواستم به آقای وزیر عدلیه بدهم. آقای وزیر عدلیه غالباً یک کلیاتی را که مسلم است و شکی درش نیست آنها را شرح و بسط میدهند و همه میگویند صحیح است. بنده هم موافقم با آقای وزیر عدلیه که کلیه شرکت هائی که در این مملکت تأسیس میشود باید به ثبت برسد و اگر هم اهمال کردند باید مجازات شدیدی شوند. بنده در این قسمت وارد نمیشوم که این مجازات شدید است یا نیست بنده فقط میخواهم عرض کنم که خوبست ماده بیست و پنج را طوری بنویسیم که متناقض نباشد و ماده صحیح باشد تا وقتی که



پرائی شش کتلی شخصیت قانونی قابل اشدیم یعنی محکمه این راغنی شناسد در این صورت اگر دعوی بر علیه بنا علیهش باشد فوق نمیکند اما ما بگوئیم این شخصیت قانونی ندارد برای اینکه تواند اقامه دعوی کند در عدلیه ولی اگر کسی آمد و بر علیه این اقامه دعوی کرد میتواند و محکمه قبول می کند یعنی در این مورد شخصیت قانونی را می پذیرد یعنی مدعی علیه میتواند واقع شود این یک تناقضی است و این تناقض را بهر شکلی مطابق شم قانونی و قضائی که دارید رفع کنید.

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود.
 ماده ۲۶ - در مورد شرکتهای خارجه که شرایط عملیات آنها بموجب امتیاز نامه صحیح و منظمی مقرر است وصحت امتیاز را در موقع قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد ماده قبل مجری نخواهد بود لیکن جزای تقدی که بموجب قسمت اخیر ماده ۲۴ معین میشود برای هر ده روز تاخیر و یا کسر ده روز از یکصد تومان الی بانصد تومان خواهد بود

رئیس - ماده بیست و هفت قرائت میشود
 ماده ۲۷ - حقوقی که برای ثبت شرکت های خارجه دریافت میشود همان است که مطابق مقررات قانون ثبت اسناد و املاک برای ثبت شرکتهای ایرانی اخذ میگردد مگر آنکه در مملکت اصلی شرکت از شرکتهای ایرانی حق الثبت بیشتری اخذ شود که در اینصورت بهمان نسبت حق الثبت اخذ خواهد شد

رئیس - ماده بیست و هشتم قرائت میشود

قانون

راجع به مخارج ملبوس و لوازم ضروری توفیقیهای نظمیه و مخارج فوق العاده مامورین اعزامی به

قصبه بوکان

ماده واحده - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه میدهد که معادل سه هزار و سیصد و پنجاه و هفت تومان و دو قران و هشتصد دینار جهت تهیه ملبوس و رختخواب و سایر لوازم ضروری توفیقیهای نظمیه و هم چنین مبلغ یک هزار و پانزده تومان برای مخارج فوق العاده مامورین اعزامی به قصبه بوکان از هشتم شهریور ماه ۱۳۰۹ تا آخر آن سال از محل اعتبار صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۹ تشکیلات نظمیه جیرازاد.

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و سوم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

ماده ۲۸ - مواد ۲۶ و ۲۷ قانون تجارت نسخ میشود.
 رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای روحی قرائت میشود. بدو پیشنهاد آقای لاریجانی در باب ماده بیست و هشت قرائت میشود
 (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم که در ماده ۲۸ بجای لفظ (مواد) (مادین) نوشته شود

رئیس - پیشنهاد الحاقیه قرائت میشود
 ماده الحاقیه - علاوه بر مواد فوق شرکت و کمپانیهای بیمه تابع مقررات و نظامات جدا گانه ای خواهند بود که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه جدا گانه بر آنها مقرر خواهد داشت

رئیس - آقایانی که با ورود در شور دوم این قانون موافقت قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد
 [۱۱- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]
 رئیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده. آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید

وزیر عدلیه - دو لایحه است که تقدیم میکنم از برای اینکه بکمسیون عدلیه برود

[۱۲- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
 رئیس - اگر موافق باشید جلسه آینده سه شنبه بیست و هشتم اردی بهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور دوم انتزاع اموال غیر منقول اتباع خارجه (مجلس يك ساعت و ربع از ظهر گذشته ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر